

آتشی که نمیرد

یادنامهٔ استاد مرتضی ثاقب‌فر

پیداکنش

آرزو رسوی (طالقانی)

عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی



فروهر، ۱۳۹۸

عنوان و نام پدیدآور	: آتشی که نمیرد: یادنامه استاد مرتضی ثاقب‌فر / آرزو رسولی (طالقانی).
مشخصات نشر	: تهران : سازمان انتشارات فروهر، ۱۳۹۸.
مشخصات ظاهری	: ۲۷۴ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۴۴-۲۹-۸
وضعیت فهرست نویسی	: فیپا
عنوان دیگر	: یادنامه استاد مرتضی ثاقب‌فر.
موضوع	: ثاقب‌فر، مرتضی، ۱۳۲۱ - ۱۳۹۱ -- یادنامه‌ها
موضوع	: نویسندگان ایرانی -- قرن ۱۴
موضوع	: Authors, Iranian -- 20th century
موضوع	: مقاله‌های فارسی -- قرن ۱۴
موضوع	: Persian essays -- 20th century
شناسه افزوده	: رسولی، آرزو، ۱۳۴۸ -
رده بندی کنگر	: PIR۸۳۲۸
رده بندی دیویی	: ۸۸۱/۲۰۸
شماره کتابشناسی ملی	: ۵۹۰۰۱۸۲

آتشی که نمیرد

یادنامه استاد مرتضی ثاقب‌فر

به کوشش آرزو رسولی طالقانی (هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

طراح جلد: سیامک جمشیدی‌زاده

عکس استاد ثاقب‌فر در روی جلد: نوشا احمدی

چاپ و صحافی: پردیس دانش

چاپ اول: ۱۳۹۸

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۸۴۴-۲۹-۸

همه حقوق برای مؤلف محفوظ است.

تکثیر، انتشار و ذخیره‌سازی تمام یا بخشی از این اثر به هر شکل (چاپی، الکترونیکی و...) و با هر هدف بدون مجوز از ناشر، غیرقانونی و قابل پیگرد است. این کتاب با کاغذ حمایتی منتشر شده است.



مؤسسه فرهنگی انتشاراتی فروهر

نشانی: خیابان حافظ، نرسیده به چهارراه کالج، کوچه پامشاد، پلاک ۳، سازمان جوانان زرتشتی (فروهر)، تلفکس: ۸۸۸۰۹۶۶۵

مرکز پخش و فروش: خیابان انقلاب، خیابان فلسطین جنوبی، پلاک ۲۶۱، تلفکس: ۶۶۴۶۲۷۰۴

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۱	کتاب‌شناسی استاد مرتضی ثاقب‌فر
	مقالات فارسی
۱۷	حمیدرضا اردستانی رستمی «تاج نهادن» از مهرپرست، مانوس شاهنامه
۲۹	فریا استارک جای شهر کلار در کلاردشت
	ترجمه رامین کریمیان
۳۷	ابوالقاسم اسماعیل پور مطلق بررسی تاریخ زبان فارسی
۴۳	دوره بیات نامه ایران باستان
۵۵	شیرین بیانی فرمانروایی ایلام و ایزد بانوی بزرگ کیریریشه
۶۱	ابوالفضل خطی ورا، ورا، ورا
۶۷	آرزو رسولی (عالمی) دوبنی در گاهان
۸۱	آرزو رسولی (طلانی) و خوراک هخامنشیان از دیدگاه متون کلاسیک
	سارا پوراحمدی
۹۷	سعید رضوانی شعر احمد شاملو و چشم‌انداز آینده آن
۱۱۱	روزبه زرین‌کوب تبار ساسانیان و مسئله تحول تاریخ‌نگاری
	عصر ساسانی: طرح یک فرضیه
۱۱۹	محمد شکری فومشی و معبد ازدهاسر 龍首寺 و لین‌دنگ 林墜
	سونیا میرزایی مانوی، بر اساس استاد نویافته چینی

۱۳۹	امیر عمادالدین صدری	ریشه‌شناسی دهیوهای هخامنشی
۱۵۳	مجید طامه	گویش خوانساری و جایگاه آن در میان گویش‌های مرکزی ایران
۱۶۹	کامیار عابدی	مقدمه‌ای بر شناخت زندگی و شعرهای مُعیری
۱۸۵	علی علی‌بابایی درمنی	بازبینی منابع تاریخی درباره‌ی نبرد کورش بزرگ و ماساژت‌ها
۱۹۷	ناهید غنی	سالار: سرپرستی خانواده بر اساس قوانین زرتشتی در دوران ساسانی
۲۱۷	مهرداد قدرت‌دیزجی	آذربایجان در اوان دوره ساسانی
۲۲۳	میرجلال‌الدین کزازی	«رخش» در رخت
۲۲۷	فرزانه گشتاسب	گناه بزرگ کردن چهره در اردو و یادنامه
۲۳۳	کتابون مزداپور	مارین و پلنگین
۲۳۹	حسن میرعابدینی	صادق هدایت به‌عنوان شخصیت داستانی

مقالات غیرفارسی

Les religions et la spiritualité immuable dans le livre des rois de Ferdowsi	Andia Abai & Patrick Ringgenberg	1
La contribution des chercheurs français et francophones à l'histoire de l'empire Sassanide (224-651 ap. J.-C.)	Esmail Sangari	15

پیشگفتار

استاد مرتضی ثاقب‌فر

دانشجوی هفتم دوره کارشناسی بودم. به واسطه‌ای با آقای علی میرزایی که آن زمان سردبیر ماهنامه علمی دانشمند بود آشنا شدم. تمایل داشتم وارد عرصه ترجمه شوم. آقای میرزایی تعدادی مقاله علمی به زبان فرانسه برای من گذاشت و گفت یکی را برای ترجمه انتخاب کنم. هنوز نام آن مقاله را به خاطر دارم. ترجمه فارسی آن می‌شد: «لذات کوچک با زیانهای بزرگ». قرار شد مقاله را که ترجمه کردم ببرم خدمت مدیر مجله دانشمند به نام آقای ثاقب‌فر، و اگر ایشان ترجمه من را تأیید کردند، کارم با مجله دانشمند ادامه پیدا کند.

آبان سال ۷۰ بود که روز یکشنبه‌ای ترجمه‌ام را به آقای ثاقب‌فر بردم. دانشجو بودم، بی‌تجربه بودم و خالی از اعتماد به نفس. از اضطراب قلبم تندتر می‌رد. نگران بودم که خیلی خراب کرده باشم. خجولانه وارد دفتر استاد ثاقب‌فر شدم و با چهره‌ای بسیار مهربان روبرو شدم. هوشی تسکین‌یافتم. وقتی به من نگاه کرد، گویی اضطراب را در چهره‌ام خواند و فوراً گفت: نگران نباشید! و نشست شدم.

این شروع آشنایی من با استاد گرانقدرم، مرتضی ثاقب‌فر، بود. از آن زمان تا هنگامی که مجله دانشمند به سردبیری آقای میرزایی منتشر می‌شد و هنوز بنیاد مستضعفان آن را سماً تصاحب نکرده بود، من شاگردی آقای ثاقب‌فر را کردم. کارم این شده بود که ترجمه می‌کردم و آقای ثاقب‌فر آن را به کارم را با حوصله می‌خواند و ایرادهای کارم را متذکر می‌شد. ضمن این جلسات، آشنایی و ویرایش را نیز به من آموخت. و همه اینها با تشویق‌های زیاد ایشان همراه بود. بعدها که ایشان را بیشتر شناختم، دیدم هر جوانی که کار و تلاش می‌کرد، به شدت مورد تشویق و حمایت ایشان قرار می‌گرفت. در یک کلام، جوان‌پرور بود. جوانانی چون علیرضا افشاری و مسعود لقمان که در سالهای آخر عمر استاد، به حضورش می‌رسیدند. گواه این کلام من آنست. یادم نمی‌رود که روزی تلفن کردم حالشان را بپرسم، با چه هیجانی برای من از جوانانی می‌گفتند که شیفته تاریخ و فرهنگ ایران‌اند و مشغول مطالعه و تحقیق در این زمینه، و می‌گفتند این جوانان را می‌بینم، به آینده کشورم امیدوار می‌شوم.

هرچه آقای ثاقب‌فر را بیشتر شناختم و با زندگی ایشان بیشتر آشنا شدم، ارادت قلبی من به ایشان بیشتر شد. جوان‌پروری تنها خصلت خویش نبود، او به معنای واقعی و فلسفی کلمه آدم بااخلاقی بود. اخلاق به مفهوم انتخاب خوب در هر شرایطی حتی اگر منجر به انزوا شود، مصلحت‌اندیش نبود، زبان انتقادی تند داشت و هر جا با بی‌عدالتی یا بی‌خردی روبرو می‌شد، بی‌تعارف زبان به انتقاد می‌گشود. همین اخلاق باعث شد در دوران پس از انقلاب خیلی زود از دستگاه‌های دولتی کنار گذاشته شود. او که دورهٔ دکتری را در فرانسه رها کرده و هیجان‌زده برای خدمت به کشور انقلابی به ایران بازگشته و در سازمان برنامه و بودجه مشغول به کار شده بود، گرفتار موج پاک، ری‌های پس از انقلاب شد و به اجبار خانه‌نشین!

بن‌به‌نشینی اجباری به قول دکتر رضا شعبانی همچون خانه‌نشینی محمدعلی فروغی، موجبات خیر شد برای تاریخ و فرهنگ ایران. خود استاد ثاقب‌فر، که در فرانسه جامعه‌شناسی خوانده بود و عاشق تاریخ و فرهنگ ایران، بالطبع عاشق شاهنامه بود، روزی به من گفت: «وقتی دیدم چاره‌ای ندارم جز آنکه از راه ترجمه زندگی کرد، تصمیم گرفتم سراغ کتابهایی در خصوص تاریخ و فرهنگ ایران بروم.» در این راه، سختی بسیار متحمل شد اما بسیار به تاریخ و فرهنگ کشوری که عاشقانه دوستش داشت، خدمت کرد. تا جایی که به قول استاد کاوه بیات، «از تاریخ ایران را یک‌تنه به دوش می‌کشید.»

یادم هست، زمانی که من در سال ۷۱ وارد دورهٔ باستان‌شناسی ارشد رشتهٔ فرهنگ و زبانهای باستانی شدم، بسیار کم منابع این رشته به فارسی برگردانده شده بود. به همت آقای ثاقب‌فر منابع بسیاری خصوصاً در حوزهٔ تخصصی تاریخ ایران باستان که بسیار مورد علاقهٔ من بود، به فارسی برگردانده شد و در دسترس استادان و دانشجویان قرار گرفت و راهی را به ایشان گشود، دیگران ادامه دادند. ترجمه‌های ایشان دقیق بود. بعدها که ناچار شدم چندین ترجمه را با اصل کتاب مقایسه کنم، متوجه شدم مترجمان دیگر خصوصاً در برگرداندن اصطلاحات یا اعلام چقدر دچار خطا شده‌اند. در برگرداندن کتابها به زبان فارسی مطالب را به عمد جانداخته‌اند! البته بر این امر واقفم که اشتباه، کار همه پیش می‌آید، اما وقتی از حد می‌گذرد، کتاب را از اعتبار می‌اندازد. امروز هرچه بیشتر قیاس می‌کنم، متوجه می‌شوم درصد خطای استاد ثاقب‌فر چقدر کم بوده است، با آنکه به علت مشکلات مالی، ناچار بود به سرعت کار کند و بسیاری از ترجمه‌هایش را نیز به ناشران بفروشد! این مسئله باعث شده بود عوایدی نیز از چاپ‌های بعدی نصیبش نشود در حالی که بسیاری از کتاب‌هایش به چاپ‌های متعددی رسیدند، اما با وجود همهٔ این مشکلات، بسیار هم اهل تحقیق بود. اگر متنی را می‌خواست ترجمه کند، پیش از آنکه دست به قلم ببرد، بسیار در آن حوزه مطالعه می‌کرد. برای ترجمهٔ تاریخ هخامنشی خرونینگن، تمام کتاب Old Persian رونالد کینت و کتیبه‌های فارسی باستان را خوانده بود. با من که صحبت می‌کرد، می‌گفت در کتیبه ضبط

فلان نام چنین آمده اما صورت یونانی آن چنین است و ... حتی برای آنکه تخصص بیشتری در این حوزه کسب کند، در کنکور کارشناسی ارشد رشته فرهنگ و زبانهای باستانی هم شرکت کرد و قبول شد اما در گزینشی که آن زمان در دانشگاهها معمول بود، رد شد! با این حال، آنقدر در این حوزه خوانده بود که خود متخصص شده بود. تمام ایرانشناسان را می‌شناخت و از نظریاتشان آگاه بود و خود نیز در این حوزه صاحب‌نظر بود. او که فلسفه تاریخ ایران را درک کرده و اندیشیده بود و جامعه‌شناسی می‌دانست، از این منظر تاریخ ایران باستان و شاهنامه را تحلیل می‌کرد و تحلیل‌هایش با پشتوانه‌ای از خردمندی که از آن بهره‌مند بود بی‌همتا بود. زمانی که دکتر سعید رضوانی مقاله وی با نام «بن‌بست کیخسرو و فساد قدرت سیاسی»^۱ در مجله نگاه نو منتشر شده بود، خواند، به من گفت: «مدتها بود مقاله‌ای به این خوبی در تحلیل دساتینی از شاهنامه نخوانده بودم.» و اضافه کرد: «غالب شاهنامه‌پژوهان در بند تصحیح واژه‌های بکار رفته در شاهنامه یا خدایان درست کلمات هستند. چه اهمیتی دارد گنج بخوانیم یا گنج! ما به تحلیل‌هایی این چنین جامعه‌شناسانه نیازمندیم.»

و وقتی یادم می‌افتد که چندین سال به من گفت: «خیلی ایده‌ها در ذهنم دارم اما چون برای گذران زندگی ناچارم ترجمه کنم، نمی‌توانم ایده‌های خودم را بنویسم»، دلم از درد فشرده می‌شود. دریغ که با بسیاری از اندیشه‌های او هیچگاه آشنا نشدیم!

بسیار مهربان بود، ایران را دوست می‌داشت و آنچه مربوط به ایران بود، او را چنان تحت تأثیر قرار می‌داد که اشکش جاری می‌شد. وقتی با همسر نازنین ایشان، فرحناز خمسه‌ای، آشنا شدم، آنچه می‌دیدم، عشق بود میان آنان، و اگر بتوانم یک نفر را به معنی واقعی ملی‌گرا بنامم مرتضی ثاقب‌فر است که به‌درستی عشق را از خانواده شروع کرده و نهایتاً به سرزمینش رسانده بود. آنقدر عاشقانه ایران را دوست می‌داشت که روزی به من گفت: «اگر یک دیکتاتور هم به حکومت برسد اما به ایران خدمت کند، من پشت سرش نماز می‌خوانم!» گرچه این سخن را به سر عشق بود و در عمل هیچ دیکتاتوری را تاب نمی‌آورد و انسانی آزاده بود.

در این یادداشت، قصد ندارم وارد داستان زندگی آقای ثاقب‌فر شوم. مسعور لعلمان در یادنامه‌ای که پس از درگذشت ایشان با نام سرو سهری منتشر کرد، به‌تفصیل به آن پرداخته است. وی همچنین بخشی از یادنامه سرو سهری را که گفتگو با مرتضی ثاقب‌فر بود، در کتابی به نام ایران در گذر روزگاران منتشر کرده است.^۲ اما به گمان من، به دلیل خدمتی که آقای ثاقب‌فر به دانشگاهیان و پژوهشگران

^۱ اشاره به شعر «اگر تندبادی برآید ز گنج / به خاک افکند نارسیده ترنج».

^۲ ایران در گذر روزگاران، گفت‌وگوهای مسعود لعلمان با ماشالله آجودانی، داریوش آشوری، عبدالمجید ارفعی،

مرتضی ثاقب‌فر، جلال خالقی مطلق، علی میرفطروس و عباس میلانی، تهران: نشر شورآفرین، ۱۳۹۳.

عرصه تاریخ و فرهنگ ایران کرده بود، باید یادنامه‌ای علمی نیز برای ایشان منتشر می‌شد تا بدین وسیله به او ادای دینی علمی شود. به این منظور، ابتدا با آقای محسن باقرزاده، مدیر انتشارات توس، صحبت کردم که طی توافقی شفاهی از کار استقبال کرد. با درگذشت وی، توافق هم به‌نوعی منتفی شد که شرح آن مفصل و از شأن این یادنامه خارج است. با حمایت مؤلفان محترم مقالات یادنامه به‌خصوص استاد کاوه بیات و با یاری دکتر محمد شکری فومشی، خانم دکتر فرزانه گشتاسب، مدیر محترم انتشارات فروهر، قبول زحمت کردند که آن را منتشر کنند. طبعاً پس از عنوان شایسته «سرو سهی» که مسعود لقمان انتخاب کرده بود، برای من انتخاب نامی مناسب برای این مجموعه دشوار بود. شعری بسیاری را خواندم. از آنجا که آقای ثاقب‌فر در ذهنم با خرد عجین شده بود، یاد ایشان همیشه در سر رودکی را در رثای شهید بلخی به ذهنم می‌آورد: «از شمار دو چشم یک تن کم / وز شمار خرد هزاران بیس». اما این شعر بسیار تکرار شده است؛ از این رو، به پیشنهاد آقای رامین کریمیان، از پیترو، از لحاظ استفاده کردم: «از آن به دیر مغنم عزیز می‌دارند / که آتشی که نمیرد همیشه در دل ماست». آتشی از آن، «آتشی که نمیرد»، عنوان یکی از مقالات خود استاد ثاقب‌فر هم بود و یادآور عشقی است که به ایران داشت، عشقی که نمی‌میرد. می‌دانم یاد او هم نمی‌میرد.

از آنجا که همه عرصه‌های تاریخی و فرهنگ و ادبیات ایران در حوزه علاقه استاد ثاقب‌فر می‌گنجید و دوستان ایشان در موضوعات متنوعی هم زده بودند. مقالات را توانستیم دسته‌بندی موضوعی کنیم و به پیشنهاد خانم دکتر گشتاسب، تصمیم بر آن شد که مقالات بر اساس نام خانوادگی نویسندگان به‌ترتیب الفبایی در این مجموعه درج شوند.

از همه مؤلفانی که چند سال پیش برای این یادنامه مقاله نوشتند و صبورانه به انتظار نشستند و همواره من را حمایت کردند و دلگرمی دادند، به‌خصوص آقایان کاوه بیات، دکتر محمد شکری فومشی و خانم دکتر فرزانه گشتاسب صمیمانه سپاسگزارم. جای قائم شدن از دوستان و استادان نیز که اظهار تمایل کرده بودند برای این مجموعه مقاله‌ای بنویسند و متألفان مقالات آنان به‌موقع به دستم نرسید در این مجموعه خالی است.

در ادامه، فهرست کتابها و مقالات استاد مرتضی ثاقب‌فر درج شده است که آن را با همکاری یکی از دانشجویانم، سارا پوراحمدی، تهیه کرده‌ام. امیدوارم این مجموعه مورد توجه جامعه علمی قرار گیرد. یاد استاد مرتضی ثاقب‌فر گرامی!

آرزو رسولی (طالقانی)

عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی

فروردین ۱۳۹۸